www.sabanewspaper.ir

**کاوه گلستان**

**سال ۱۳۵۳ آغاز همکاری او با روزنامه آیندگان بود. از همان زمان بود که کاوه به گزارش‌های تصویری اجتماعی روی آورد و گزارش‌های ماندگاری با سوژه‌هایی مثل کارگرهای ساختمانی، کودکان عقب‌افتاده خلق کرد. همین گزارش‌ها دستمایه نمایشگاهی قرار گرفت؛ نمایشگاهی که همان سال در دانشگاه تهران برگزار شد و به یک هفته نکشید که توقیف شد.**

**صدایش همتا ندارد و این تنها ویژگی خسرو خسروشاهی نیست. تجربه، سواد و اطلاعات به روزش، خیلی‌ها را حیرت‌زده می‌کند. با آن صدای شیک و تراش خورده، روبه‌رویمان می‌نشیند و درباره دوبله و شرایط کنونی کار در این حوزه و مشکلاتش می‌گوید. مافیای دوبله، کار حرفه‌ای‌ها را دشوار کرده و خسروشاهی با تمام گلایه‌هایی که از این فضا دارد باز هم امیدوار است که دوبله راه خودش را ادامه دهد و بی‌نفس نشود. با او از همین حال و هوا حرف زده‌ایم؛ گفتگویی که برای صبا یک افتخار است.**

**آقای خسروشاهی بگذارید کمی به عقب برویم و ریشه‌ای‌تر دوبله و شرایطش را بررسی کنیم. شرایط دوبله، قبل و بعد از انقلاب چه تفاوت‌هایی کرده؟ آیا رونق دوبله در آن زمان به دلیل دوبله فیلم‌های ایرانی با حضور ستاره‌های بزرگی مثل فردین و بهروز و بیک ایمانوردی و... بوده؟ یعنی توجه مردم به دوبله از این موضوع نشئت می‌گیرد؟ بعد از انقلاب دوبله چه روندی را طی کرد؟**

آن زمان رونق دوبله به هیچ کدام از این‌ها ارتباط نداشته است. دلیل توجه مردم این بود که کمپانی‌هایی که به ایران فیلم می‌آوردند آخرین فیلم‌هایی که در دنیا نمایش داده می‌شد را برای دوبله در نظر می‌گرفتند. در واقع آن فیلم‌ها همزمان با دنیا در ایران نیز نمایش داده می‌شد و گاهی هم زودتر. علتش این بود که فیلم‌های خوبی بود و درها به روی سینمای جهان باز بود. اینطور نبود که در و پنجره‌ها را ببندند که فیلم خارجی به ایران نیاید. دلیلش هم این است که وقتی فیلم خارجی به ایران بیاید دیگر فیلم‌های فارسی تماشاچی ندارد و دیگر کسی قصه‌های تکراری و کسالت‌آور و فیلم‌هایی را که به عبارت دیگر قصه ندارند، نمی‌بینند. از فیلم‌های پر فروش این یکی، دو سال اخیر، معلوم می‌شود که سینمای ایران سینمای ورشکسته است. دلیل نمی‌شود که در سینماهای ایران به روی فیلم‌های خوب خارجی بسته شود چون دست‌اندرکاران مایل هستند به هر طریقی فیلم‌شان بفروشد. فراز و نشیب دوبله زیاد بوده است. چند سال پیش بنیاد سینمایی فارابی فیلم‌های خیلی خوبی را می‌آورد و اکران می‌کرد و این کمبود، به این شدت نبود که تمام روزنه‌ها بسته شود. جای خوبی به نام فارابی، فیلم‌های بسیار خوب و آثار بزرگ دنیا را می‌آورد و دوبله و اکران می‌کرد که الان همان فارابی نیز بسنده کرده به همین که فیلم را بیاورد و در انبارش نگه دارد و کهنه شود. من چند سالی است که فیلم خارجی ندیدم اکران شود. البته گاهی در یک سینما ساعت ۱۲ شب با یک زیرنویس غلط اکران‌هایی می‌کردند. کدام علاقه‌مند سینما حاضر است ساعت ۱۲ شب از منزلش بیرون برود و به تماشای فیلمی بنشیند که به قول معروف سر و ته ندارد؟ فلیم ۱۲۰ دقیقه‌ای تبدیل شده به ۷۲ دقیقه. به هر حال سینمای جهان در ایران، منزوی و فراموش شد و عدم اعتمادی که مردم به این فیلم‌ها دارند یکی از دلایل آن است. اولین عاملش هم تلویزیون است. تلویزیون زمانی که فیلم‌های بزرگ دنیا را دوبله می‌کند ۲۰-۳۰ دقیقه از فیلم کم می‌کند و اثر ناقص می‌شود، البته آن‌ها هم چاره‌ای ندارند و باید قوانین مربوطه را رعایت کنند، حتی قوانینی که می‌تواند دست و پاگیر فیلم نباشد. در واقع همان مشکلاتی که گریبان‌گیر کتاب و موسیقی است بیشترش درگیر دوبله است چون با تصویر سروکار دارد و برخی مواقع رفتارهای سلیقه‌ای هم در مورد کوتاه کردن فیلم‌ها انجام می‌دهند.

**چرا امروز، با دوبله مثل یک دور چین اضافی برخورد می‌شود؟**

شما وقتی ابزاری در اختیار نداشته باشید، چه کاری می‌توانید انجام دهید؟ مثلاً یک فیلم و سریال درجه چندم کره‌ای چه چیزی به یک خانواده ایرانی اضافه می‌کند؟ چنین آثاری جای هنرنمایی برای کسی نمی‌گذارند. از دلایل آن، بی‌سرپرست ماندن دوبله است و بد سلیقه شدن آدم‌هایی که زمانی به کار دوبله علاقه داشتند. آنونس یک فیلم، شاخصه یک فیلم و اعتبارش است. یک صدا به یک فیلم اعتبار می‌دهد و معرفی‌اش می‌کند و می‌گوید فیلمی که قرار است، ببینید این است اما متأسفانه می‌بینیم که آنونس فیلم مثل دیالوگ گفتن و صحبت کردن در یک کافی‌شاپ است. طبیعی است برای تماشاچی، دافعه ایجاد می‌شود، وقتی صدایی را می‌شنود که گویی از ته چاه می‌آید و اصلاً هیچ خاصیتی ندارد. در این صورت تهاجم از هر طرف شروع شود و کسانی که به طور حرفه‌ای آنونس فیلم‌ها را می‌گفتند و معرفی می‌کردند مثل آقای تهامی، منوچهر انور، آقای رضوی و... باید بروند کنار و صدایی که از ته چاه در می‌آید، این کار را انجام بدهد. حتی بعضی وقت‌ها این موضوع تسری پیدا کرده بین کارگردانانی که آنونس فیلم‌شان را می‌گویند. ممکن است چهره‌شان را بشناسند، عکس‌شان را در روزنامه بیاندازند ولی این صدا و بیان نمی‌تواند کمکی به فیلم کند و کمکی به حرفه من یعنی دوبله داشته باشد. زمانی بود که دوستانی آنونس می‌گفتند و شور و هیجان برای تماشای اثر در مردم ایجاد می‌کردند، در حالی که الان اینگونه نیست.

**چند سالی است که خیلی از بزرگان دوبله ایران از جمله خود شما خانه‌نشین شده‌اید. چرا؟ به دلیل شرایط ترجیح داده‌اید در چنین اتمسفری کار نکنید یا در اصل شما را خانه‌نشین کرده‌اند؟**

نمی‌توانم بگویم فیلم خوب نیست. فیلم خوب در دوبله هست ولی به دست من و امثال من نمی‌رسد. متأسفانه دلال‌هایی هستند که به خرید فیلم خوب توجه نمی‌کنند. شاید یکی، دو نفر باشند که توجه داشته باشند، حتماً فیلم خوب بخرند. کسانی هم هستند که مجوز نمایش خانگی را دارند و فیلم‌های خارجی را می‌آورند و دوبله می‌کنند. آدمی در این فضا هست که آنقدر جسارت دارد، با تمام بی‌سوادی یک فیلم را دوبله می‌کند و نقش مدیر دوبلاژ را بازی می‌کند. در واقع کسی که باید فیلم را بخرد و به تیم دوبله بسپارد و پخش کند، خودش هم فیلم را دوبله می‌کند. دوبله به این اندازه بی‌در و پیکر شده است یا در یک سازمانی هزار جور برای شما قید و بند می‌گذارند که باید این مشخصات و سوابق را داشته باشید تا بتوانید کاری را انجام دهید ولی وقتی همان فیلم‌ها در وزارت ارشاد مجوز نمایش پیدا می‌کند، عدم اعتماد را به وجود می‌آورد. از طرفی این دوبله خیلی بد و با انتخاب‌های بد و دیالوگ‌های غلط می‌رود و مجوز می‌گیرد و در شبکه خانگی می‌آید. حالا چون آن فرد فیلم را خیلی ارزان خریده مثلاً ۱۰۰۰ دلار و نهایتاً ۱ میلیون تومان هم خرج دوبله‌اش می‌کند، ۴ میلیون تومان می‌شود. استودیو هم که مال خودش است و به همین راحتی سود کلانی نصیبش می‌شود. زمانی وزارت ارشاد در مورد دوبله سخت‌گیری می‌کرد و کنجکاو بود و اسم مدیر دوبلاژ برای آن‌ها خیلی مهم بود که چه کسی فیلم را دوبله کرده و با چه کیفیتی، حتی گاهی اسم مترجم را هم می‌خواستند که از یک فیلتر درست و حسابی رد شده باشد و در بازار توزیع شود. الان متأسفانه اینطور نیست و کار به تلویزیون محدود شده و هر آنچه تلویزیون در اختیارمان بگذارد باید دوبله کنیم، البته فیلم‌های خوبی در تلویزیون دوبله می‌شود ولی نمی‌دانم که چرا حاصل کارشان به چشم نمی‌آید. بهترین گویندگان در تلویزیون فعالیت و کار می‌کنند و هیچ مانعی هم در تلویزیون نیست که شما از گوینده کم استفاده کنید و مثل فیلم‌هایی که در شبکه خانگی دوبله می‌شود، نیست که صاحبان‌شان بخواهند فیلم خیلی ارزان تمام شود و برایشان فرقی نمی‌کند که این هنرپیشه ۳۰ یا ۴۰ میلیون دلاری است یا یک هنرپیشه درجه ۵ آن هم در فیلمی که فوقش با ۱۰۰۰ دلار خریده‌اند. شاید این دیده نشدن در تلویزیون به علت افت ریزش تماشاگر باشد. نوروز امسال فیلم‌های فوق‌العاده‌ای در تلویزیون نمایش داده شد. اگر دوبله را نگاه می‌کردید می‌دیدید همه هستند ولی جابه‌جا شده‌اند، در واقع انتخاب‌ها اشتباه است. مثلاً کسی که نقش اول می‌گوید، باید رل سوم بگوید و برعکس. اگر شما قرار است از خانه‌نشینی من و امثال من بدانید باید دنبال چیز دیگری بگردید. آن سلیقه و حس فیلم بازی و دیدن فیلم و تعقیب کردن فیلم، دیگر فراموش شده و کسی دنبال فیلم خوب با دوبله خوب نیست.

**در حال حاضر فیلم‌ها به صورت انبوه و بدون دقت به واحد دوبلاژ سرازیر می‌شود و بدون هیچ دقتی فقط می‌گویند دوبله کنید و وقت و دقت و نگاه تخصصی در این زمینه وجود ندارد. این فیلم‌ها از کجا می‌آیند؟ مدیریت دوبلاژ هر فیلمی چگونه انتخاب می‌شود؟**

درباره انتخاب فیلم‌ها قسمت برون مرزی باید بگوید. ما اکران نداریم و من هم خبر ندارم که چطور خریداری می‌شود ولی انتخاب مدیر دوبلاژ هم پروسه‌ای ندارد و هر کس دستش خالی باشد در تلویزیون کار می‌گیرد. این متأسفانه باعث همین نارسایی‌ها و کمبودها می‌شود. شما می‌بینید در یک فیلم خوب همه گویندگان خوب و درجه یک حضور دارند ولی حاصل کار اصلاً به چشم نمی‌آید به این علت که سلیقه اعمال نشده، دقت نشده و وقت کافی برای یک فیلم نگذاشته‌اند. علتش این است که فیلم برای دوبله دیر می‌آید قبل از این که دوبله شود، زمان پخش آن مشخص می‌شود. در نتیجه همکاران من در یک پروسه خیلی سختی گیر می‌کنند که در عرض سه روز یک فیلم را باید دوبله کنند و تحویل دهند و نتیجه‌اش همین می‌شود که می‌بینید.

**عملاً در چند سال گذشته دوبله خصوصاً در صدا و سیما، تبدیل به یک امر مکانیکی شده است. دوبلورها باید سر ساعاتی بیایند و بدون برقراری ارتباط با آثار، جای کاراکترها صرفاً حرف بزنند و بروند. این اتفاق ناشی از چه نگاهی است؟**

ماجرا این است که کسانی که پشت تریبون نشسته‌اند و گویندگان را انتخاب می‌کنند، دست به انتخاب‌های اشتباه می‌زنند. جوانان نازنین زیادی می‌آیند و عمرشان در تلویزیون تلف می‌شود و به قول معروف هیچی هم نمی‌شوند جز این که یک تورم گوینده ایجاد می‌شود و مثلاً اعضای ما به ۲۰۰-۲۶۰ نفر می‌رسند. این تعداد هم برای تلویزیون و هم برای کار بیرون کافی است. برخی از این جوانان، باسواد هستند و از مراحلی رد شده‌اند. آن‌ها برای حضور در این حرفه سختی کشیده‌اند. اما در نهایت آن چیزی که باید داشته باشند، ندارند. این‌ها فقط علاقه دارند ولی داشتن علاقه برای یک دوبلور خوب شدن کافی نیست. مطالعه می‌خواهد، هزار و یک رمز دارد. شما می‌بینید که تعداد زیادی به حرفه ما اضافه شدند. علتش انتخاب ماشینی است و از روی یک برنامه از پیش تعیین شده که عده‌ای باید بیایند و وارد این کار شوند، ولی هر شغلی یک شاخصه‌هایی برای خودش دارد. اگر من به خلبانی علاقه دارم، شاید از نظر فیزیکی قبول شوم ولی آیا ذهنم آمادگی این را دارد؟ زمانی ما در انجمن از جوان‌ها تست می‌گرفتیم که کار بسیار موفقی بود اما این اختیار را از انجمن ما گرفتند و تلویزیون خودش پذیرش را در اختیار گرفت. اگر روزی روزگاری مثل بازیگران که آزاد هستند و جوان‌ها می‌توانند در فیلم‌ها بازی کنند، برای دوبله هم این اتفاق بیافتد، بسیار خوب است. اگر دیگر این مراحل سخت و طاقت‌فرسا نباشد که گویندگان طی کنند، شاید روح تازه‌ای در دوبله دمیده شود. فرد حرفه‌ای که از کار نمی‌ترسد، نمی‌ترسد که درها باز شود و جوان‌های مستعد بیایند. چون این شرایط در دوبله نیست. اینطور می‌شود که باید لباس‌مان را بپوشیم و مثل یک کارمند سر کارمان در تلویزیون برویم، آنجا گویندگی کنیم و به جای یک شخصیت حرف بزنیم، بدون این که بفهمیم این شخصیت کیست. وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم و در پایان ماه پرینت حقوق را می‌گیریم. این شده که دوبله قابل پسند و خوب نیست و چنین موضوعی پایان کار دوبله است و هیچ فردی نمی‌ماند که راه کسانی که در این کار بودند و زحمت کشیدند را ادامه دهد. الان هیچ احترامی برای این کار قائل نیستند و حتی در خلوت‌شان هم فکر نمی‌کنند که یک روزی اگر دوبله نباشد کانال‌های مختلف به چه زبانی باید فیلم پخش کنند؟

## صبا با حضور صدای بزرگ ایران بررسی می‌کند: وضعیت، مافیا، دستمزد و معضلات دوبله در ایران

# مدیر دوبلاژ خوب، مدیر خانه‌نشین است

مریم رضازاده

عکس: رضا جلالی

**مافیای دوبله چرا شکل گرفته است؟ مدتی است مدیریت دوبله به افراد خاصی واگذار می‌شود. کسانی که تجربه بزرگان را ندارند.**

در تلویزیون به این شکل نیست. در تلویزیون آنقدر فیلم زیاد هست که به قول معروف به همه می‌رسد. در شبکه خانگی تنها هدف، ارزان دوبله کردن فیلم‌هاست و هر چقدر ارزان‌تر دوبله کنید، مدیر دوبلاژ بهتری هستید. شما با عده‌ای جمع می‌شوید، سلسله مراتب را رعایت نمی‌کنید و با ۸ نفر، فیلمی را که باید ۳۲ پرسوناژ داشته باشد، دوبله می‌کنید و متأسفانه فیلم پروانه نمایش می‌گیرد. قبلاً خیلی از فیلم‌ها بودند که وزارت ارشاد به خاطر دوبله بد پس می‌فرستاد و می‌گفت این دوبله و این صدابرداری و مسائل فنی فیلم خوب نیست، اما متأسفانه این دقت، فراموش شد. برای کودکان فیلم‌های انیمیشنی دوبله می‌شود که توهین‌آمیز است اما باز هم پروانه نمایش می‌گیرند. الان متأسفانه مدیر دوبلاژ خوب، مدیر دوبلاژ خانه‌نشین است. شما می‌خواهید فیلم را درست دوبله کنید، با فرصت دوبله کنید اما امکانش نیست.

**الان مؤسساتی هستند که همزمان دست می‌گذارند روی یک انیمیشن خوب که در دنیا نمایش داده می‌شود و ما حتی نمی‌دانیم که این‌ها چه طور رایت این فیلم را خریدند یا این که اصلاً نخریدند و هزار و یک کلک در کارشان است. گاهی اوقات در یک استودیو، ۳ فیلم در حال دوبله است. من به یاد می‌آوردم که وقتی آخرین فیلم بتمن را دوبله می‌کردیم، همزمان این فیلم در استودیوی دیگری در حال دوبله بود. مسابقه این بود که کدام یک از این استودیوها این فیلم را زودتر دوبله می‌کند؟ چون هر کدام زودتر دوبله می‌کردند، می‌رفتند وزارت ارشاد و پروانه نمایش را می‌گرفتند. اینجا یک حلقه گمشده وجود دارد. چطور ممکن است یک فیلمی در چند استودیو به طور همزمان دوبله شود؟ مثلاً زمانی برای رسانه‌ها فیلم دوبله می‌کردیم بچه‌ها می‌آمدند و می‌گفتند ما این فیلم را در تلویزیون دوبله کردیم.**

وقتی ما موضوع را به شبکه خانگی اطلاع می‌دادیم می‌گفتند موردی ندارد، شما دوبله کنید. ۲۵ فیلم را دوبله کردیم که حدود ۹۰ درصدش به بازار نیامد. یکسری موازی‌کاری‌هایی وجود دارد. هم تلویزیون فیلم‌ها را خریده بود و هم رسانه‌های تصویری خریداری می‌کرد و تلویزیون فیلم‌ها را دوبله می‌کرد و ما نیز فیلم‌ها را بیرون دوبله می‌کردیم و تلویزیون دستش برای نمایش فیلم باز بود ولی رسانه دستش باز نبود که فیلم را به بازار عرضه کند، در نتیجه تلویزیون فیلم‌ها را نمایش می‌داد و آن فیلم‌هایی که رسانه‌ها با دقت و با سرمایه‌گذاری‌های زیاد دوبله کرده بود در پشت پرده می‌ماند به دلیل این که خریدار نداشت و نمی‌توانست به بازار برود. فیلمی که ۲۰ روز یا ۶ ماه پیش در تلویزیون نمایش داده است چطور می‌تواند به بازار عرضه شود و فردی با پرداخت مبلغی مجدداً آن فیلم را ببیند. این ناهماهنگی‌ها هم بخشی از مشکل است.

**تلویزیون بهترین فیلم‌ها را خریداری می‌کند اما نظارت کافی به مراحل دوبله‌اش نمی‌شود برای این که کسی که باید بالای سر کار باشد و از مدیر دوبلاژ یک کار خوب بخواهد در تلویزیون نیست و نمی‌دانم این آدم‌ها کجا رفتند. در تلویزیون فقط کسانی هستند که روی دیالوگ‌ها، سانسور و... نظارت می‌کنند و ما آن‌ها را نمی‌شناسیم. آن دیالوگ به دست مدیر دوبلاژ می‌رسد و مدیر دوبلاژ نیز بدون هیچگونه مطالعه و مسئولیتی همان جملاتی را که آقایان نوشته‌اند و حتی گاهی نیز با تصویر نیز همخوانی ندارد، توسط گویندگان‌شان اجرا می‌کنند.**

در نتیجه عدم اعتماد در جامعه سرایت می‌کند و شما حتی اگر بهترین فیلم را هم دوبله کنید و در فروشگاه‌ها بگذارید، آن را نمی‌خرند. به عنوان مثال فیلم جاذبه که فیلم بسیار جذابی است و در هر خانه‌ای می‌توان این فیلم را نگه داشت، این فیلم حدود ۲۰ دقیقه در تلویزیون سانسور شد. کدام یک از ما حاضر است این فیلم را خارج از تلویزیون خریداری و دوبله کند و در فروشگاه‌ها به فروش برساند؟ در حقیقت این اقدام آتش زدن سرمایه است.

**دوبلورهای زیادی از ایران رفته‌اند. نظر شما درباره فرار دوبلورها چیست؟**

تعداد دوبلورهایی که به خارج از کشور رفتند، خیلی کم بود و اکثر کسانی که رفتند به کشور بازگشتند و هیچ کدام از آن‌ها نماندند جز یکی دو نفر از دوستان که برای ابد ماندنی شدند و بقیه بچه‌هایی که از ایران رفتند بعد از ۸-۹ سال و یا بعضاً ۲۷ سال به ایران بازگشتند، مثل آقای جلیلوند که در حال حاضر کار می‌کنند و فیلم هم بازی می‌کنند. بوده‌اند دوبلورهای دیگری که به کشور بازگشتند جز کسانی که آنجا ماندگار شدند البته زیاد فرقی هم نمی‌کرد و دوبله راه خود را ادامه داد، مانند سینما که خیلی‌ها را از دست داد دوبله هم راه خود را ادامه داد.

از طرفی اطلاع داشتیم فیلم‌هایی برای کانال‌های مختلف ماهواره‌ای در ایران دوبله می‌شود و این موضوع مشخص شد و عده‌ای نیز دستگیر شدند و جواب پس دادند و عده‌ای نیز در ایران ممنوع‌الکار شدند، از جمله برخی از همکاران ما نیز از ایران رفتند و در کشورهایی که فیلم را دوبله می‌کنند، مشغول به کار شدند و برای ابد از کار دوبله اسم‌شان خط خورد. من می‌توانستم خیلی راحت کلاس و کار عملی انجام دهم اما مجوز وزارت ارشاد را گرفتم و با مجوز وزارت ارشاد کلاسم را دایر کردم و تعدادی شاگرد دارم. برای اولین بار این حرفه را در استودیو آوردم و کسی که قصد داشت حرفه دوبله را یاد بگیرد بعد از دو جلسه با فیلم و دیالوگ مواجه می‌شد. می‌خواهم بگویم حتی من نیز با این سابقه رفتم و مجوز گرفتم. در کل شما نمی‌توانید کار خلاف انجام دهید و برای کار به این سادگی که برای من هیچ مانعی وزارت ارشاد نمی‌تراشید و خودشان گفته بودند که شما باید کلاس داشته باشید، رفتم و مجوز گرفتم. این کار زیر زمینی برای بچه‌های ما نیست. شاید بچه‌هایی که عضو انجمن ما نیستند، انیمیشن دوبله کنند اما فیلم غیر اخلاقی دوبله نمی‌کنند. در کل در ایران نمی‌توانیم فیلم‌ها را به صورت زیر زمینی دوبله کنیم و در ایران نیز هیچ کس جرئت نکرده است که چنین فیلم‌هایی را دوبله و به بازار عرضه کند و اکثر این افراد کسانی هستند که مجوز دارند و حتی روی دست هم بلند می‌شوند مثلاً گاهی مشاهده می‌کنیم یک انیمیشن با ۲ دوبله همزمان به بازار می‌آید. البته می‌دانم یک نفر از همکاران ما که با این شبکه‌ها همکاری نیز می‌کرد، گرفتار شد. در حالی که می‌توانست کار خود را انجام دهد و صدای خیلی خوبی نیز داشت ولی متأسفانه آن کار را خودش انتخاب کرد و پاسخش را نیز باید خودش بدهد.

**کار دوبلورهای جوان را دنبال می‌کنید؟ فکر می‌کنید از میان‌شان کدام‌ها کارشان را بلدند و درست در جایگاه دوبلور قرار گرفته‌اند؟**

هستند بچه‌هایی که کارشان خوب است البته نمی‌توانیم بگوییم نیروهای جدید هستند چون بین ۱۶ تا ۲۰ سال است که کار می‌کنند. با تجربیاتی که دارم و کلاس‌هایی که برگزار کردم شاگردان با استعداد بسیاری داشتم. برایم خیلی جالب بود که رادیو سه، چهار نفر از آن‌ها را می‌خواست. اولین شرط آمدن در کلاس من مصاحبه است چون من جز یاد دادن نمی‌توانم چیزی به آن‌ها عرضه کنم یا برایشان بازاریابی کنم یا آن‌ها را به تلویزیون بفرستم، یا به انجمن بیاورم. با علم این که فقط می‌توانند این حرفه را از من یاد بگیرند به کلاس‌هایم می‌آیند البته تعدادی از آن‌ها خوب بودند و شرایط همکاری در رادیو برایشان پیش آمد حتی از رادیو نیز با من تماس گرفتند که آیا از نظر شما بلامانع است و من هم گفتم آن‌ها آدم‌های عاقل و بالغی هستند و من نیز پدرشان نیستم. گفتند آیا شما مایل هستید چنین اتفاقی بیافتد و من هم گفتم صد درصد دوست دارم چنین اتفاقی بیافتد. قرار شد برنامه جدیدی داشته باشند و از من دعوت کردند کارگردان برنامه باشم که نپذیرفتم. اگر اجازه بدهند این حرفه به این شکل شکوفا شود دیگر انتخاب همکاران من محدود به انجمن گویندگان نمی‌شود و می‌توانیم از استعدادهای دیگری هم استفاده کنیم.

**جوان‌هایی بودند که دنبال کار را گرفتند. زمانی که از انجمن ما جواب منفی شنیدند، برای خودشان انجمن راه انداختند و شروع به کار کردند ولی هنوز تلویزیون و جاهای مختلف با آن‌ها کار نمی‌کند و فقط برخی استودیوها با آن‌ها همکاری می‌کنند.**

بچه‌های ما با تمام زحماتی که کشیدند، بسیار دلزده و افسرده هستند به دلیل این که بهایی به کارشان داده نمی‌شود و زیر خط فقر زندگی می‌کنند. کسی با ۱۵ سال سابقه کار در این حرفه با من تماس گرفت و در رابطه با کار با من صحبت کرد. جوان بسیار با استعداد و تحصیل کرده‌ای است اما می‌گفت، زندگی‌ام نمی‌چرخد و من نیز گفتم که در روز اول به شما گفتم که با این کار به جایی نمی‌رسی و این کار نهایتش همین است. خیلی جای درد دارد، هنوز هم تلویزیون دستمزد ۱۰ الی ۱۸ سال پیش را می‌پردازد و دستمزد گویندگی را بین ۱۱۰ الی ۱۲۰ تومان متوقف کرده است. همچنین در بیرون گوینده‌ای که نتواند برای خودش، طبق تعرفه مبلغی تعیین کند باید ۱۸۰ الی ۲۰۰ تومان برای گویندگی نقش اول بگیرد و اگر دو سه روز هم بیاید، خیلی لطف کنند نهایتاً ۲۵۰ تومان می‌گیرد.

**هر چقدر هم از این بچه‌ها دلجویی شود، قابل حل نیست، چون دلجویی تنها و خشک و خالی که فایده‌ای ندارد و باید یک بازنگری در دستمزد این بچه‌ها صورت بگیرد و باید دستمزدی باشد که این بچه‌ها بتوانند زندگی کنند و فکر کنند که با این پولی که از تلویزیون و دوبله می‌گیرند آیا می‌توان زندگی خیلی معمولی را داشته باشند یا خیر. بچه‌های ما واقعاً با آبروداری زندگی می‌کنند. اگر یک بازنگری در دستمزد بچه‌های ما صورت بگیرد، خیلی بهتر می‌شود. اصلاً به هر راهی بچه‌های ما رفتند تا دستمزدشان را بالا ببرند، نشد و هر مدیری آمد وعده و وعید داد اما باز هم نشد.**

آقای ضرغامی که سال‌ها پیش معاونت سینمایی وزارت ارشاد بودند، زیر و بم کار را خیلی خوب می‌دانند. ایشان می‌دانند مشخصات فیلم و سریال خوب چیست. هر وقت که با او نیز در این رابطه صحبت کردیم با خنده و شوخی می‌گفت که همه چیز درست می‌شود اما هنوز درست نشده است.

در کل دستمزدها بر همان مبنای ۱۵ الی ۲۰ سال گذشته است و حداکثر ۱۰ الی ۱۵ درصد در طول این سال‌ها به دستمزدها اضافه شده است. من ۵ سالی می‌شود که در تلویزیون کار نمی‌کنم، بنابراین دقیقاً نمی‌دانم آخرین دستمزدی که می‌پردازند چقدر است ولی آن زمانی که کار می‌کردم بین ۷۷ تا ۱۰۰ هزار تومان و حداکثر ۱۰۳ هزار تومان بود، مدیر دوبلاژ نیز به همین صورت. در نظر داشته باشید که این مبلغ را نیز به همه نمی‌دادند بلکه به کسانی که سابقه کاری بالایی دارند، پرداخت می‌کنند.

آقای ضرغامی که سال‌ها پیش معاونت سینمایی وزارت ارشاد بودند، زیر و بم کار را خیلی خوب می‌دانند. ایشان می‌دانند مشخصات فیلم و سریال خوب چیست. هر وقت که با او نیز در این رابطه صحبت کردیم با خنده و شوخی می‌گفت که همه چیز درست می‌شود اما هنوز درست نشده است.